قرض‌الحسنه و تأثیر آن در ایجاد اشتغال برای قشر محروم روستایی و افزایش مشارکتهای اقتصادی آنها

جعفر یعقوبی

قرض‌الحسنه و تأثیر آن در ایجاد اشتغال برای قشر محروم روستایی و افزایش مشارکتهای اقتصادی آنها

جعفر یعقوبی[1]

استادیار دانشگاه زنجان، دانشکده کشاورزی

گروه ترویج و آموزش کشاورزی

چکیده

برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار، مشارکت همه‌ی قشرها از جمله زنان روستایی در فرآیندهای اقتصادی ضروری است. وامهای قرض‌الحسنه گزینه‌ای برای حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر به‌ویژه زنان روستایی، حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، ایجاد فرصتهای شغلی برای نیروی کار عظیم موجود در روستاها و تعمیم عدالت اجتماعی می‌باشند. با توجه به اینکه برخی از نهادها وامهای قرض‌الحسنه را به زنان روستایی ارائه نموده‌اند، برای استمرار این وامها و همچنین بهبود شیوه‌های پرداخت، آگاهی از تأثیراین وامها ضروری می‌باشد. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که وامهای قرض‌الحسنه پرداخت شده به زنان روستایی تا چه حد در ایجاد اشتغال و افزایش مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی مؤثر بوده است؟ در این تحقیق از روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و پیمایش توسط پرسشنامه استفاده شده است. حجم نمونه‌ی آماری ٦١ نفر از زنان روستایی بود که طی ٥ سال گذشته از وامهای قرض‌الحسنه استفاده کرده بودند. نتایج نشان می‌دهد بیشترین زمینه مصرف وام در منطقه به ترتیب کارهای مربوط به دامپروری، باغبانی، کشاورزی، خرجهای تحصیل فرزندان، خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرجهای دارویی درمان و بهداشت و صنایع دستی می‌باشد. اعتبارات

1- Yaghobi@znu.ac.ir

پرداخت‌شده در زمینه اشتغال بیشترین تأثیررا در تثبیت شغلی قبلی زنان دریافت-کننده‌ی وام داشته و این اعتبارات در بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان بیشترین تأثیررا داشته است. از دیدگاه پاسخ دهندگان، وامهای دریافتی در ایجاد احساسی قوی در توانایی انجام کار، افزایش مهارت مدیریت زندگی، افزایش اعتماد به نفس، آگاه‌سازی از تواناییهای بالقوه خود و بهبود منزلت زنان در خانواده نیز تأثیرزیادی داشته‌اند. تحلیل همبستگی بین اشتغال و متغیرهای مستقل نشان داد بین میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان خانواده و نگرش کلی مردان خانواده نسبت به دریافت وام توسط زنان خود در سطح ۰/۰۱ رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

کلمات کلیدی: قرض‌الحسنه، اشتغال، مشارکت، زنان روستایی

مقدمه

توسعه‌یک مفهوم ارزشی است که هدف آن ارتقاء کیفیت زندگی در خصوص مسایلی مانند بهداشت، آموزش، رفاه، آزادی، حق بیان و حقوق مختلف می‌باشد. اما یکی از ابعاد توسعه‌ی، توسعه‌ی انسانی است که اخیراً توجه همگان را به خود معطوف داشته است. در توسعه‌ی انسانی بر عنصر انسان به عنوان کلیدی برای مشارکت مردمی تکیه می‌شود نه ابزاری در این راستا. اما اگر سیر زنجیره‌ی توسعه را ادامه دهیم به توسعه روستایی می‌رسیم. برخی صاحب‌نظران معتقدند که توسعه‌ای که در مناطق روستایی باید اجرا شود، دارای خصیصه‌های زیر باشد:

– تغییری در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.

– مردمی که از توسعه سود می‌برند باید بیش از مردمی باشند که از آن متضرر می‌گردند.

– مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگیشان یا نیازهای ضروری زندگیشان مطمئن سازد.

– باعث تشویق خوداتکایی شود.

در صورتی که قشرهای کم درآمد روستاها نتوانند درآمد مورد نیازشان را تأمین کنند، مهاجرت، تخریب محیط زیست و غیره اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. برای کسب درآمد، داشتن یک شغل ضروری است و برای کسب شغل نیز امکانات ویژه‌ای لازم است . قبل از اینکه مردم بتوانند کاری را شروع کنند باید دارای سرمایه باشند. سرمایه عامل مهمی است که عوامل دیگر را نیز مهیا می‌کند. متأسفانه اعتبارات لازم برای ایجاد شغل برای افراد جامعه‌ی روستایی خصوصاً قشر محروم مثل زنان روستایی به سختی تهیه می‌شود یا اصلاً تهیه نمی‌شود. در حال حاضر منابع

اعتباری‌زیادی به روستاییان وام می‌دهند ولی این منابع اغلب با نرخ بهره‌ی زیاد بوده و کافی نیستند. از طرف دیگر قوانین آنها به گونه‌ای است که بسیاری از روستاییان نمی‌توانند از تسهیلات اعتباری این منابع مالی استفاده کنند (جهانشاهی، ۱۳۷۵، ص ٤٦)؛ به همین دلیل ایجاد مرکز اعتباری که بتواند این نقش مهم را ایفا کنند بسیار مهم است. بنابراین، بخش اعتباری جدیدی در روستاها باید ایجاد شود تا نیازهای مالی روستاییان را تأمین کند. در غیر این صورت اعتبارات غیر رسمی گسترش خواهد یافت که نتیجه ی آن انتقال بخشی از درآمد روستاییان به رباخوارها، سلف‌خرها و غیره می‌باشد (خزایی، ۱۳۷۹، ص ۳). وامهای قرض‌الحسنه گزینه‌ای هستند که می‌توانند سرمایه لازم برای قشرهای محروم جامعه‌ی روستایی را ایجاد کنند و عاملی برای حمایت از واحدهای کوچک بهره‌برداری، ایجادفرصتهای شغلی برای نیروی کار عظیم موجود در روستاها، جلوگیری‌از مهاجرت روستاییان و نهایتاً تعمیم عدالت اجتماعی باشند. اعتبارات خرد راهکاری برای فائق آمدن بر فقر گروههای در حاشیه در نظر گرفته می‌شود (Lindfeldf, 2000, p 117).

یکی از راه‌های کمک به تنگدستان روستایی و کاهش فقر و افزایش مشارکت آنها در فرآیندهای اقتصادی، بکارگیری نیروی کار زنان‌این خانوار در مشاغل کوچک خانگی است. اجرای این سیاست به منابع مالی نیاز دارد تا در گسترش این مشاغل مصرف شود (خزایی، ۱۳۷۹، ص ۳۸). با توجه به موارد فوق، سؤال اصلی مقاله‌ی حاضر این است که وامهای قرض‌الحسنه پرداخت شده به زنان روستایی تا چه حد در ایجاد اشتغال و افزایش مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی مؤثر بوده‌اند؟

اصطلاح قرض‌الحسنه در کشور ایران معروف است و به طور شایع استعمال می‌شود. معادل عربی ترکیب قرض‌الحسنه، القرض‌الحسن است. چنانکه برخی از کتابهای لغت نیز به آن تصریح کرده‌اند. مقصود از القرض‌الحسنه آن است که از مال حلال بوده و منّت، اذیت و ربا را به دنبال نداشته باشد. اما مقصود از قرض‌الحسنه دادن به خدا، صدقه‌ای است که با نیت پاک و صرفاً به خاطر خدا داده شود و می‌توان گفت، همه اعمال نیک اعم از بدنی و مالی، قرض‌الحسنه‌ای هستند که به خدا تحویل داده می‌شوند و او در مقابل، پاداش خواهد داد. متشرعین نیز قرض صحیح غیر ربوی بین انسانها را با تأسی از قرآن کریم، قرض‌حسن و قرض‌الحسنه نامیده‌اند. قرض‌الحسنه از عقود معوضه است که به واسطه‌ی آن مالی از ملکیت قرض‌دهنده خارج و به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود و در مقابل ذمه‌ی قرض‌گیرنده، به بازپرداخت عین یا مثل یا قیمت آن مال، مشغول می‌شود. در ماده‌ی ٦٤٨ قانون مدنی ایران نیز چنین آمده است: «قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند، که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم الرد را بدهد (حبیبیان نقیبی، ١٣٨٤). از این رو، در این مقاله مقصود از قرض‌الحسنه، قرض صحیح شرعی و غیرربوی است که توسط نهادهای دولتی و مردمی مثل بانک کشاورزی یا کمیته امداد امام خمینی(ره) به افراد پرداخت می‌شود.

با آنکه آگاهی از ریشه‌های فقر و دستیابی به راهکارهای فقرزدایی مستلزم آگاهی از مفهوم فقر می‌باشد، به نظر می‌رسد که همگان کم یا بیش می‌دانند که فقر چیست و فقیر به چه‌کسی اطلاق می‌شود. بنابراین، در اینجا ضرورت ندارد که به تعریف و توصیف انواع فقر پرداخته شود، اما آنچه در

این مقاله آگاهی از آن ضروری است، این است که منظور از بکارگیری واژه‌ی فقر همانا فقر مادی است که حاصل آن در هر جامعه‌ای، وجود انبوهی از فقیران است که تشکیل‌دهنده‌ی آن جامعه می‌باشند. عمده‌ترین نشانه‌ی فقر و به بیان روشن‌تر، تمیز فقیر از غنی یا دارا و ندار بودن افراد، چگونگی و حد و حدود برخوردار بودن آحاد یک جامعه از امکان تأمین نیازهای اولیه‌ی زندگی است. از این رو، در جامعه‌ای که بخش اعظم افراد آن برای تأمین مایحتاج روزانه‌ی خود به کمک‌های بلاعوض یا یارانه متکی هستند یا زیر پوشش مؤسسات خیریه قرار دارند، بدون هیچ مقدمه‌چینی، جامعه‌ای فقیر محسوب می‌شوند؛ به‌ویژه آن که به سرزمینی غنی با منابع طبیعی فراوان مانند کشور خودمان متعلق باشند که در هر حال ادامه‌ی آن منجر به فقیرتر شدن تدریجی آن سرزمین خواهد شد.

بنابراین، قضاوت درباره‌ی فقیر یا غنی بودن جامعه‌های انسانی تنها با بررسی‌های عینی و غیرعلمی - تحلیلی از وجاهت لازم برخوردار نمی‌باشد. جامعه‌ای از فقر مادی عاری است که اجزا یا افراد آن با بهره‌گیری از فعالیت و کوشش برای گذران زندگی عادی و در شأن انسانی خداپرست قادر به تأمین نیازهای اولیه‌ی خود باشند و این مقدور نیست جز آنکه تفکر و نظام اقتصادی حاکم بر آن جامعه، سنجیده و از مقبولیت علمی - تجربی و بویژه تاریخی لازم برخوردار باشد. به عبارت دیگر هرکسی باید در پی انجام رسالت خویش یا سرگرم فعالیت در کار و حرفه خود باشد، در غیر اینصورت است که جامعه غنی و دارا نیز رو به فقر نهاده و به خیل فقیران جهان می‌پیوندند.

بررسی مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی است که تأثیرمتغیر تحصیلات بر مشارکت سیاسی زنان، به دلیل

ضعف یا نقص قوانین موجود، هیچ‌گاه قابل تأیید نیست و اکثر زنان تحصیل کرده، به رغم گرایش به اشتغال و مشارکت اقتصادی، به دلیل آگاهی از نقص قوانین، تمایل کمتری به مشارکت سیاسی دارند. بنابراین، تلاش برای اصلاح قوانین حاکم بر شئونات زنان جامعه پیش‌شرط اساسی برای ارتقای مشارکت آنان است (صمدی‌راد، ۱۳۸۵، ص ۹۹).

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی در فراگرد توسعه در روستای آقکند میانه نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی زنان روستایی بر اساس این تحقیق، در سطح پایینی را نشان می‌دهد و تنها ٤ درصد پاسخگویان، مشارکت اجتماعی بالایی داشته‌اند. از سوی دیگر، وجود رابطه‌ی مشارکت اجتماعی زنان روستایی با متغیرهای نگرش زنان نسبت به خود (عوامل درونی)، سن، تحصیلات (عوامل زمینه‌ای) میزان دسترسی آنها به مراکز شهری و همچنین وسایل ارتباط جمعی (عوامل ساختاری) تأیید شد (وثوقی و یوسفی آقابین، ۱۳۸٤، ص۱۲۳).

ارزشیابی طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی(ره) در افزایش مشارکت مددجویان (مطالعه‌ی موردی بخش‌های مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا) نشان داد که رابطه‌ی معنی‌داری بین طرح‌های اجرا شده کمیته امداد امام خمینی(ره) و مشارکت مددجویان وجود دارد (قدیری و شرفی، ۱۳۸۵، ص ٤۲).

نتایج تحقیق حسین رسول‌پور عربی (۱۳۷٦) در زمینه‌ی نقش زنان در فعالیت‌های روستایی شهرستان رامسر نشان می‌دهد که بیش از ۹٦ درصد از زنان روستایی، حداقل یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده داشتند. اما نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی آنان تحت تأثیرمجموعه‌ای از

عوامل جغرافیایی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که زنان روستایی فعال در اقتصاد روستا و خانواده، خود مالک عوامل تولید نیستند، به همین دلیل به رغم حضور گسترده در فعالیتهای اقتصادی در استفاده‌ی از اعتبارات دولتی با موانع متعددی رو به رو هستند (رسول‌پور عربی، ۱۳۷٦، ص ۷).

بررسی نتایج تحقیقات فوق نشان می‌دهد که اغلب این مطالعات بر عوامل مؤثر بر اشتغال زنان روستایی، ارزشیابی طرحهای خودکفایی و نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی به صورت مجزا تأکید دارند. مقاله‌ی حاضر با استفاده‌ی از نتایج این مطالعات و مطالعات مشابه دیگر، تأثیروامهای قرض‌الحسنه را بر اشتغال زنان روستایی و همچنین اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این وامها را به صورت یکپارچه بررسی می‌کند که در مطالعات انجام شده قبلی به آن اشاره نشده است.

روش تحقیق

بررسی نقش وامهای قرض‌الحسنه در اشتغال‌زایی محرومان جامعه روستایی بویژه زنان و بررسی تأثیراین وامها در مشارکت زنان روستایی در فرآیندهای اقتصادی هدف کلی این تحقیق بود. به منظور دستیابی به هدف تعیین‌شده برای تحقیق حاضر که جزو تحقیقات علوم رفتاری به شمار می‌آید و می‌توان آن را از نوع تحقیق کاربردی غیرآزمایشی دانست، از مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی استفاده‌ی شد و به صورت پیمایش. جامعه‌ی آماری تحقیق، زنان روستایی استان زنجان بودند که طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ موفق به اخذ وامهای قرض‌الحسنه شده بودند. با توجه به تعداد محدود جامعه آماری (٦۸ نفر)، کلیه افراد سرشماری شدند.

به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز تحقیق از مصاحبه و پرسشنامه استفاده‌ی شد. براساس اهداف، پیشینه‌ی نگاشته‌ها و نتایج بدست آمده از مصاحبه‌های انجام شده، پرسشنامه‌ای تنظیم گردید. برای اطمینان از ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه‌ی طراحی شده در اختیار اساتید صاحب‌نظر مرتبط قرار داده شد و اصلاحات مورد نیاز در آن اعمال گردید. برای محاسبه‌ی قابلیت اعتماد، از ضریب آلفا کرونباخ استفاده‌ی شد. برای محاسبه‌ی ضریب پایایی پرسشنامه (α کرونباخ) تعداد ۱۲ نفر از زنان مستمند شهری که از وامهای قرض‌الحسنه استفاده‌ی کرده بودند، انتخاب و پس از تکمیل پرسشنامه‌های مربوطه، قابلیت اعتماد پرسشنامه‌ها محاسبه گردید. محاسبه‌ی α کرونباخ با استفاده‌ی از نرم‌افزار SPSS انجام شد و این ضریب برای کل سؤالات پرسشنامه ۰/۸۲ به دست آمد و ۳ سؤال که دارای ضریب کرونباخ پایینی بودند، حذف گردیدند. پس از تعیین ضریب مذکور و حصول اطمینان از بالا بودن پایایی پرسشنامه‌ها، تکمیل شدند.

نتایج

۹۰/۲ درصد زنان روستایی مورد مطالعه، به پس‌انداز بخشی از درآمد خود تمایل دارند و تنها ۹/۸ درصد به این کار تمایلی ندارند. به رغم تمایل به پس انداز بخشی از درآمد توسط اغلب پاسخگویان، تنها ۲ نفر سال گذشته مبلغی را پس‌انداز نموده اند و بقیه گفته‌اند به علت کمبود درآمد قادر به هیچگونه پس‌اندازی نشده‌اند.

متوسط هزینه خانوار طی یک ماه از طریق یک پرسش با مقیاس نسبتی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد میانگین هزینه خانوار طی یک ماه ۸۰ هزار تومان می‌باشد. کمترین مبلغ ذکر شده،

۴۵ هزار تومان در ماه و بیشترین مبلغ ذکر شده، ۲۰۰ هزار تومان در ماه می‌باشد. بیشترین فراوانی، مربوط به مبلغ ۱۰۰ هزار تومان در ماه با فراوانی ۱۹ نفر می‌باشد.

با توجه به زمینه‌های پرداخت وامهای قرض‌الحسنه، میزان مصرف وام در زمینه‌های دامپروری، زراعت، باغبانی، خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرجهای دارویی درمان و بهداشت، خرجهای تحصیل فرزندان و کارهای دستی و خانگی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج بدست آمده در جدول ۱- ارائه گردیده است.

جدول ۱- زمینه‌های مصرف وام توسط زنان روستایی

گزینه‌ها	کم	متوسط	زیاد
استفاده‌ی زنان از وام در کارهای مربوط به دامپروری	٪۵۲/۵	٪۴۷/۵	۰/۰
استفاده‌ی زنان از وام در کارهای مربوط به باغبانی	٪۶۲/۵	٪۳۷/۵	۰/۰
استفاده‌ی زنان از وام در کارهای مربوط به کشاورزی	٪۲۳/۸	٪۲۱/۴	٪۵۴/۸
استفاده‌ی زنان از وام در خرجهای تحصیل فرزندان	٪۲۹/۸	٪۳۶/۲	٪۳۴
استفاده‌ی زنان از وام در خرید وسایل خانه	٪۵۵/۳	٪۲۷/۷	٪۱۷
استفاده‌ی زنان از وام در خرید خوراک و پوشاک	٪۵۵/۳	٪۱۷	٪۲۷/۷
استفاده‌ی زنان از وام در خرجهای دارویی درمان و بهداشت	٪۵۵/۳	٪۴/۳	٪۴۰/۴
استفاده‌ی زنان از وام در کارهای دستی و خانگی	٪۶۶	٪۸/۵	٪۲۵/۵

بیشترین زمینه مصرف وام در منطقه مطابق جدول شماره‌ی ۱- به ترتیب مربوط به دامپروری، باغبانی، زراعت، خرجهای تحصیل فرزندان، خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرجهای دارویی درمان و بهداشت و کارهای دستی و خانگی می‌باشند.

با توجه به اینکه‌یکی از اهداف اصلی وامهای پرداخت شده ایجاد اشتغال یا کمک به حفظ و ادامه شغل قبلی است، تأثیراین اعتبارات که زنان در زمینه‌ی ایجاد یا حفظ مشاغل به‌صورت گروهی و فردی دریافت کردند مورد سنجش قرار گرفت. خلاصه‌ی نتایج به‌دست آمده در جدول ۲- ارائه شده است.

جدول۲- تأثیروامهای دریافتی در زمینه‌ی اشتغال از دیدگاه زنان روستایی دریافت‌کننده‌ی اعتبارات

تأثیروامهای دریافتی در زمینه اشتغال	کم	متوسط	زیاد
زنان وام‌گیرنده به تنهایی شغل قبلی را ادامه داده‌اند	۱۹/۷	۱۸	٦۲/۳۰
زنان وام‌گیرنده هریک به تنهایی شغل جدیدی را ایجاد کرده‌اند	۵۰	۲٤/۱	۲۵/۹۰
زنان وام‌گیرنده به شکل گروهی شغل‌های قبلی را ادامه داده‌اند	٦۵/٤	۳٤/٦	۰/۰۰
زنان وام‌گیرنده به شکل گروهی شغل جدیدی را ایجاد کرده‌اند	۷٦/۹	۲۳/۱	۰/۰۰

مطابق جدول بالا، وامهای قرض‌الحسنه در زمینه‌ی اشتغال در زمینه‌ی ادامه‌ی شغل قبلی توسط زنان دریافت کننده‌ی وام به تنهایی، بیشترین تأثیررا داشته و ایجاد شغل جدید به تنهایی در مرتبه‌ی بعدی قرار داشته است. اعتبارات پرداخت شده کمترین تأثیررا در زمینه‌ی ایجاد شغل جدید برای زنان روستایی به شکل گروهی داشته است.

تأثیراعتباراتی که زنان در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دریافت کردند، در ده جنبه مورد سنجش قرار گرفت. مطابق جدول ۳- نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که از بین ده عامل اجتماعی و فرهنگی بررسی شده، وامهای قرض‌الحسنه بیشترین تأثیررا در کاهش تصدی‌گری دولت با

میانگین ۳/۱ داشته است. میزان ضریب تغییرات پایین نیز دقت بالای میانگین بدست آمده را نشان می‌دهد. چهار عامل اجتماعی و فرهنگی بعدی که اعتبارات خرد در آنها تأثیرزیادی داشته است، به ترتیب عبارتند از کاهش جو سنتی و بازدارنده‌ی اجتماعی فعالیت زنان، ایجاد گرایش به پس‌انداز در بین زنان، افزایش مشارکتهای فکری مردم و کاهش جو سنتی و بازدارنده‌ی فرهنگی فعالیت زنان.

به نظر پاسخگویان، اعتبارات دریافت شده، کمترین تأثیررا در بسترسازی فرهنگی و اجتماعی جهت پدید آمدن نهادهای جدید، کاهش تدریجی نابرابری جنسیتی و افزایش مشارکتهای مالی مردم داشته است. نتایج تفصیلی این یافته‌ها در جدول ۳- ارائه شده است.

جدول ۳- تأثیرات اجتماعی و فرهنگی اعتبارات خرد

عوامل فرهنگی و اجتماعی	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
کاهش تصدی‌گری دولت	۳/۱	۰/۵۳	۰/۱۷
کاهش جو سنتی و بازدارنده‌ی اجتماعی فعالیت زنان	۳	۰/۷۷	۰/۲۶
ایجاد گرایش به پس‌انداز در بین زنان	۲/۵۱	۱/۱	۰/۴۴
افزایش مشارکتهای فکری مردم	۲/۳۶	۰/۹۸	۰/۴۲
کاهش جو سنتی و بازدارنده‌ی فرهنگی فعالیت زنان	۲/۳۳	۰/۶۵	۰/۲۸
ایجاد گرایش به فعالیتهای تولیدی و سرمایه‌گذاری اقتصادی بین اعضاء	۲/۱	۱/۳۷	۰/۶۵
افزایش مشارکتهای مالی مردم	۱/۹۵	۰/۸	۰/۴۱
کاهش تدریجی نابرابری جنسیتی درآمد	۱/۸	۰/۷۵	۰/۴۲
بسترسازی اجتماعی جهت پدید آمدن نهادهای جدید	۱/۵۱	۰/۸۱	۰/۵۴
بسترسازی فرهنگی جهت پدید آمدن نهادهای جدید	۱/۲۵	۰/۵۱	۰/۴۱

توضیح: ۵ خیلی زیاد، ٤ زیاد، ۳ متوسط، ۲ کم، ۱ خیلی کم.

با توجه به اینکه‌یکی از اهداف اصلی پرداخت وامهای قرض‌الحسنه‌ی روستایی ایجاد اشتغال یا بهبود وضعیت اشتغال زنان روستایی می‌باشد، تأثیراین اعتبارات بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد از میان مؤلفه‌های مورد بررسی، اعتبارات پرداخت شده بیشترین تأثیررا به ترتیب بر تثبیت مشاغل قبلی اعضای شاغل با میانگین ۳/٦ و کمک به توسعه شغلی اعضای شاغل با میانگین ۲/٦ داشته است. همچنین مشخص شد اعتبارات پرداخت شده کمترین تأثیررا بر ارتقاء سطح آموزشهای افراد شاغل یا تولیدکننده (میانگین: ۱/۳) و ارتقاء مهارتهای افراد شاغل یا تولیدکننده (میانگین: ۱/٦۱) داشته است. نتایج تفصیلی این یافته در جدول ٤ ارائه شده است.

جدول٤- تأثیراعتبارات خرد بر مؤلفه‌های مرتبط با وضعیت اشتغال زنان

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
تثبیت مشاغل قبلی اعضای شاغل	۳/٦	۰/۵	۰/۱٤
کمک به توسعه‌ی شغلی اعضای شاغل	۲/٦	۱/۳٦	۰/۵۲
ایجاد شغل جدید برای اعضای فاقد شغل	۲/۱	۱/٦	۰/۷٦
افزایش میزان تولیدات اعضاء	۱/۹۱	۱/۱۳	۰/۵۹
تقویت توان تولیدی اعضاء شاغل یا تولیدکننده	۱/۸۷	۰/۸۵	۰/٤۵
افزایش بهره‌وری شغلی اعضاء	۱/۸۵	۰/۹	۰/٤۹
ارتقاء کیفیت تولیدات اعضاء	۱/۸٤	۰/۸۸	۰/٤۸
ارتقاء مهارتهای افراد شاغل یا تولیدکننده	۱/٦۱	۰/۵	۰/۳۱
ارتقاء سطح آموزشهای افراد شاغل یا تولیدکننده	۱/۳	۰/٦٤	۰/٤۹

توضیح: ۵ خیلی زیاد، ٤ زیاد، ۳ متوسط، ۲ کم، ۱ خیلی کم.

با توجه به سؤالات تحقیق، ارتباط متغیر اصلی (اشتغال زنان روستایی) با متغیرهای سن، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات همسر و نگرش کلی مردان خانواده به وامهای قرض‌الحسنه‌ای که زنان دریافت می‌کنند از طریق آزمون همبستگی تحلیل شدند. در جدول ۵- نتایج حاصله از تحلیل همبستگی نشان داده شده است.

همانطور که در جدول ۵ نشان داده شده است بررسی همبستگی بین متغیر اصلی تحقیق؛ یعنی، اشتغال زنان و متغیرهای مستقل نشان داد از بین متغیرهای مورد بررسی، رابطه‌ی میان میزان تحصیلات زنان، میزان تحصیلات مردان خانواده و نگرش کلی مردان خانواده به وامی که زنانشان دریافت می‌کنند در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است (P> ۰/۱). بنابراین، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد قضاوت نمود که بین متغیرهای مذکور و اشتغال زنانی که از وامهای صندوق‌های قرض‌الحسنه استفاده‌ی نموده بودند، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۵- ضرایب همبستگی به دست آمده بین متغیرهای مستقل و اشتغال زنان روستایی

متغیر مستقل مورد بررسی	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	S ۰/۱٤-	۰/۹۱۵
میزان تحصیلات	S ۰/۵۷۳	**/۰۰۳
وضعیت تأهل	S ۰/۵۹۰-	۰/٦۵۳
تعداد افراد خانوار	S ۰/۰۰۹-	۰/۹٤۵
میزات تحصیلات همسر	S ۰/٤۳۰	**/۰۰۱
نگرش کلی مردان خانواده به دریافت اعتبارات خرد توسط زنان	S ۰/٤۱۸	**/۰۰۱

S: ضریب همبستگی اسپیرمن.

**: همبستگی در سطح ۰/۱ معنی‌دار می‌باشد.

جمع‌بندی

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد افراد مورد مطالعه به پس‌انداز بخشی از درآمد خود تمایل دارند ولی تنها ۹/۸ درصد آنها این کار را انجام می‌دهند. به نظر می‌رسد این تناقض بین تمایل و رفتار عملی آنها به دلیل ناچیز بودن منابع درآمدی آنها باشد که هیچ فرصتی برای پس‌انداز به آنها نمی‌دهد.

مشخص شد که میانگین هزینه‌ی خانوارهای مورد مطالعه مبلغ هشتاد هزار تومان در ماه می‌باشد که در اغلب موارد درآمد آنها جوابگوی این مبلغ ناچیز هزینه نیز نمی‌باشد. بررسی زمینه‌های مصرف وام در منطقه نشان داد که بیشترین زمینه‌های مصرف وام عبارتند از: دامپروری، زراعت، باغبانی، خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرجهای دارویی درمان و بهداشت، خرجهای تحصیل فرزندان و کارهای دستی و خانگی.

این نتیجه با نتایج مطالعات رسول پور عربی (۱۳۷۶) و قدیری و شرفی(۱۳۸۵) پشتیبانی می‌شود. با توجه به اینکه هدف اعتبارات پرداخت شده ایجاد اشتغال برای زنان روستایی بود؛ مصرف وام در زمینه‌هایی چون خرید وسایل خانه، خرید خوراک و پوشاک، خرجهای دارویی درمان و بهداشت و خرجهای تحصیل فرزندان نشان دهنده‌ی انحراف از زمینه‌ی مصرف وامهای دریافتی توسط زنان می‌باشد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد اعتبارات صندوق‌های قرض‌الحسنه در زمینه‌ی اشتغال بیشترین تأثیررا در تثبیت شغل قبلی زنان دریافت‌کننده‌ی وام داشته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد این اعتبارات در ایجاد مشاغل جدید به صورت فردی و گروهی از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است.

نتایج به دست آمده درباره اثرات اعتبارات خرد در زمینه‌هایی غیر از اشتغال نشان داد که این اعتبارات در بالا بردن اعتماد گروهی در بین زنان بیشترین تأثیررا داشته است. این یافته با نتایج مطالعه وثوقی و یوسفی آقابین (۱۳۸٤) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد نتایج فوق نشان‌دهنده‌ی موفقیت وامها در افزایش قابلیتهای اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی می‌باشد.

با عنایت به نتایج تحقیق در زمینه‌ی نقش مثبت وامهای قرض‌الحسنه در ایجاد و حفظ اشتغال زنان روستایی، مشخص می‌گردد پرداخت وامهای قرض‌الحسنه مشارکت زنان روستایی را در فرآیندهای اقتصادی افزایش می‌دهد. همچنین نتایج تحقیق درباره‌ی تأثیروامهای پرداخت شده در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، بیانگر نقش مثبت اعتبارات پرداخت شده در ارتقاء مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان فقیر روستایی می‌باشد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج تحقیق و به منظور هدفمند نمودن اعتبارات قرض‌الحسنه و مؤثرتر شدن این اعتبارات، توجه به پیشنهادات زیر می‌تواند راهگشا باشد:

۱- نظر به اینکه زنان روستایی بیوه و سرپرست خانوار متقاضیان اصلی اعتبارات خرد می‌باشند و وضعیت اسفبار این گروه که از تأمین مبلغی کمتر از ۸۰ هزار تومان در ماه برای اداره‌ی خانوار ۵ نفری خود عاجزند؛ همچنین با توجه به ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی و ارزشها و هنجارهای حاکم بر منطقه که اجازه‌ی ورود زنان به عرصه‌ی کار و کسب درآمد را عملاً در بسیاری از زمینه‌ها از این گروه مظلوم سلب نموده است؛ قویاً پیشنهاد می‌شود نهادهای مسئول از قبیل کمیته امداد امام خمینی(ره)

امام خمینی، بانک‌ها و مراکز اعتباری، مؤسسات غیر دولتی و غیره برای کمک به این گروه اقدامات عاجلی انجام دهند.

۲- با توجه به هنجارهای اجتماعی و فرهنگی که در برخی موارد مخالف حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و همچنین اشتغال می‌باشند؛ پیشنهاد می‌شود از طریق رسانه‌های گروهی برنامه‌های آموزشی در جهت فرهنگ‌سازی و بهبود هنجارهای فرهنگی برای روستاهای استان ارائه گردد. در این راستا استفاده از شبکه‌ی تلویزیونی محلی استان(شبکه اشراق) می‌تواند مؤثر واقع گردد.

۳- با توجه به ناکافی بودن مبلغ وامهای پرداختی برای راه‌اندازی یک شغل جدید، اعتبارات پرداخت شده در زمینه‌ی ایجاد اشتغال موفق نبوده است، لذا پیشنهاد می‌شود مطالعات علمی دقیقی در زمینه‌ی میزان سرمایه‌ی لازم برای ایجاد شغلهای جدید توسط زنان روستایی متناسب با شرایط و موقعیتهای هر منطقه انجام گیرد و مبلغ وامهای پرداختی براساس این مطالعات پرداخت گردد.

کتابنامه

- جهانشاهی، حسین، ۱۳۷۵، **بحثی پیرامون ضرورت تشکیل صندوق اعتبارات روستایی**، ماهنامه جهاد، شماره‌ی ۱۸٤ و ۱۸۵.

- حبیبیان نقیبی، مجید، ۱۳۸٤، **قرض‌الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی**، آنلاین در آدرس اینترنتی:
www.seraj.ir/engine/View_article.asp?ID=A58776

- خزایی، علی، ۱۳۷۹، **تضعیف جایگاه بانک کشاورزی در اعتبارات روستایی و چگونگی ایجاد صندوق مشارکت زنان**، تعاون، ش ۲۳۰ و ۲۳۱.

- صمدی‌راد، انور، ۱۳۸۵، **مکانیسم‌های ارتقای مشارکت زنان در ابعاد سیاسی و اقتصادی**، رفاه اجتماعی تابستان ۱۳۸۵، ۵ (۲۱)، ۹۹ – ۱۲۲.

- وثوقی، منصور و یوسفی آقابین، ۱۳۸٤، **پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه مشارکت اجتماعی زنان روستایی روستای آغکند شهرستان میانه**، مجله علوم انسانی، تابستان ۱۳۸٤، ۱۲ (۳)، ۱۲ – ۱۳۹.

- قدیری معصوم، مجتبی و شرفی، حجت اله، ۱۳۸۵، **ارزشیابی طرح‌های خودکفایی کمیته امداد امام خمینی(ره) در افزایش مشارکت مددجویان (مطالعه موردی بخش‌های مرکزی و نوبندگان شهرستان فسا)**، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، بهار و تابستان ۱۳۸۵.

- رسول‌پور عربی، حسین، ۱۳۷٦، **بررسی نقش زنان در فعالیت‌های اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر**، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ۱۳۷٦.

- Sandera lindfeldf (2000), **the allocation of micro credits، Evidence from ZECLOF'S micro credits project in Harare**، Zimbabwe Stockholm University Department of economic، undergraduate thesis.